

# خاطرات مستر همفر

(جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی)

ترجمه به فارسی: فاطمه کاظمی

www.ketab.ir

# خاطرات مستر همفر

✦ جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی

◀ ترجمه به فارسی: فاطمه کاظمی

◀ ناشر: توسعه قلم

ویراستار: کاظم مطلق

صفحه‌آرایی: زهرا حسن‌خانی

نوبت چاپ: ششم - ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طرح جلد: فاطمه صادق‌منش

ناظر چاپ: فاطمه بیگدلی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۰۱-۷۸-۲

لیتوگرافی: کمیل

چاپ: بهمن

قیمت: ۲۹۰۰ تومان

مستر همفر،

خاطرات مستر همفر (جاسوس انگلیسی در کشورهای

اسلامی)، نوشته مستر همفر، ترجمه به عربی: داغ‌خ. ترجمه به

فارسی: فاطمه کاظمی، ویراسته‌ی کاظم مطلق، نشر توسعه قلم،

م ۱۳۹۲.

ISBN 978-964-7801-78-2

ص. ۱۱۲

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

۱. خاطرات (قرن ۲۱) ۲. مستر همفر. الف. عنوان.

۹۷۸۰۸۲۱۰۹۲

DSR ۱۵۰۷/د ۹۱۳

۰۹۲-۱۷۰۲۱۵۲

کلیتخانه ملی ایران

قم: میدان رسالت، بلوار بسیج، کوچه ۵، پلاک ۴.

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۶۹۷-۵۰۲۵ همراه: ۳۵۱۹۲۳۵-۰۹۱۴

مرکز پخش آفرینه: ۲۳-۳۷۷۳۵۰۲۵

fara.goft@yahoo.com

www.faragoftpub.com

# فهرست



۹	.....	●	مقدمه
۲۱	.....	●	بخش اول
۲۲	.....		مشکل ما با اسلام و ممالک اسلامی
۲۶	.....		اجتماع نمایندگان انگلستان، فرانسه، روسیه
۲۸	.....		مأموریت من در آستانه (ترکیه)
۴۳	.....	●	بخش دوم
۴۳	.....		سرگذشت رفقای دیگر
۴۶	.....		شیعه چه می‌گوید؟
۴۸	.....		اهل سنت چه می‌گویند؟
۵۳	.....	●	بخش سوم
۵۳	.....		ورود به بصره و ملاقات با شیخ عمر الطائی
۵۶	.....		آشنایی با محمد بن عبدالوهاب
۶۲	.....		بحثی بین محمد بن عبدالوهاب و یک عالم شیعی
۶۳	.....		گمشده خود را یافتم
۶۸	.....		بحث پیرامون عدم حرمت شراب
۷۴	.....		خوابی که برای شیخ دیدم

- ۷۷ ..... بخش چهارم
- ۷۷ ..... حرکت به سوی کربلا و نجف
- ۸۷ ..... بخش پنجم
- ۸۷ ..... بازگشت به انگلستان و ملاقات وزیر
- ۹۴ ..... نقاط ضعف مسلمین
- ۹۷ ..... نقاط قوت مسلمین
- ۹۹ ..... توسعه نقاط ضعف
- ۱۰۲ ..... از بین بردن نقاط قوت

www.ketab.ir



## مقدمه

هنگامی که سپاهیان اسلام از پیش امپراتوری بیزانس را در سرزمین شام و مصر شکست دادند، آنان به سمت شمال آفریقا پیشروی کردند و به اندلس رسیدند؛ اما نتوانستند برای همیشه منبع خطری را که ممکن بود در این مناطق آنها را تهدید کند، از بین ببرند و مجبور شدند از این مناطق عقب‌نشینی نمایند؛ زیرا ساکنان مناطقی که در گوه‌های توروس، دریا‌های مانش، شمال و بالتیک بودند، شورش کردند.

به محض اینکه گروه‌های درگیر با بیزانس از حالت رکود و سردرگمی خارج شدند، به دنبال فرصتی برای بازپسگیری امپراتوری‌شان افتادند و با استناد به متون تحریف شده‌ی عهد قدیم، در صدد لطمه‌زدن به مسلمانان برآمدند. در این بین، فقط یهودیان نبودند که مطالب کتب عهد قدیم را به نفع خود تفسیر کردند، بلکه مسیحیانی هم که متون عهد قدیم را با متون

انجیل معروف به عهد جدید درآمیخته بودند، مطالب کتاب مقدس را به نفع خود تفسیر می نمودند.

بدین ترتیب، دیری نپایید که در زمان حکومت اموی، مرکز خلافت شاهد نفوذ اهل کتاب به شخص امیرالمؤمنین بود. به عنوان مثال: معاویه در طول خلافت خود و خلافت فرزندش یزید، سر جون را به عنوان مشاور برگزید و با میسون نصرانی - که می گفتند به دین خود باقی ماند - ازدواج کرد. میسون بعد از طلاق از معاویه، فرزندش یزید را با خود برد تا در میان قوم خود (بنی تغلب) زندگی کند. اخطل<sup>۱</sup> نیز در دربار زندگی می کرد و با حمایت یزید و جانشینان یزید، به اسلام توهین می نمود و اسلام را مورد تمسخر و استهزا قرار می داد.

مسیحیان به این حد اکتفا نکردند و در زمان حکومت مروانیان، بیزناسها به سرعت اقدام به فعالیت نظامی نمودند. بدین ترتیب گوستیانوس با گروه های جنگنده خود به کوه های سوریه - که امروز کوه های لبنان نامیده می شود - حمله کرد و توانست خلیفه ی مسلمانان را مجبور کند که سالانه جزیه بپردازد.

این جنگ فقط به مبارزه طلبی نظامی بسنده نکرد، بلکه به زمینه ی اقتصادی نیز کشیده شد. سکه یی که در کشورهای روم استفاده می شد، در کشورهای اسلامی نیز استفاده می گشت و مسلمانان بعد از رنج و مشقت زیاد، توانستند مشکل ارضی را حل کنند.

به تدریج تلاش های مسیحیان کم شد، تا آن جا که در دوران عباسی به حد اقل رسید؛ زیرا در این دوره شورش های مسیحیان به شدت سرکوب

۱. اخطل شاعری مسیحی بود و برای دربار اموی شعر می گفت.

می‌شد. در قرن یازدهم، طلایه‌داران ارتش‌های صلیبی، پس از نفوذ ضعف و تفرقه در پیکره‌ی دولت اسلامی، شیپورهای داخلی را در مرکز خلافت به صدا درآوردند. اقتدار صلیبی در بخش غربی سرزمین شام به مدت دو قرن ادامه یافت و در نهایت، ارتش‌های صلیبی شکست خوردند و به کشور خود بازگشتند؛ بدون اینکه این شکست خاتمه‌ی کارشان باشد.

رهبران و فرماندهان صلیبی دریافتند که مسلمانان هنگامی که سرزمینشان در معرض تهاجم کفار قرار می‌گیرد، تا مرز شهادت می‌جنگند و از سرزمین خود دفاع می‌کنند؛ بخصوص اگر فقط در زمینه‌ی نظامی با دشمن برابر باشند. همچنین فهمیدند عاملی که به یک مسلمان انگیزه می‌دهد تا در راه وطنش جانفشانی کند، دین اسلام می‌باشد.

بدین ترتیب، دشمنان اسلام در صدد نابودی این انگیزه و محرک (دین) برآمدند. تجربه ثابت کرده که با نیروی نظامی خارجی نمی‌توان دین را نابود کرد، به همین دلیل دشمنان اسلام تلاش‌هایشان را به سمت داخل متمرکز نمودند.

دخالت‌هایی که در دوره‌ی عثمانی صورت می‌گرفت، حول دو محور اقتصادی و دینی بود. در زمینه‌ی اقتصادی، بین دولت عثمانی و دولت‌های اروپایی روابطی تجاری برقرار شد. پادشاه عثمانی به منظور حمایت از این منافع و ابزارهای بشری، امتیازات فراوانی به تاجران غربی واگذار نمود. این امتیازات در زمینه‌های مختلفی بود. در نتیجه، بسیاری از رعایای خود پادشاه عثمانی، مسیحی بودند؛ اما در زمینه‌ی دینی، جنبش فعالیت‌های تبلیغاتی مسیحی آغاز به کار نمود. این جنبش، نه فقط

مسیحیان شرقی را، بلکه مسلمانان را هم فریب داد. همچنین به منظور به دام انداختن اسلام نیز تلاش‌هایی صورت گرفت.

مبلغان مسیحی به بعضی از طایفه‌های مسیحی امتیازاتی می‌دادند و آنان را تحریک می‌نمودند تا رهبران فنودال‌ها را مورد هدف قرار دهند. تلاش‌هایی که در این زمینه انجام گرفت، باعث شد برخی از حاکمان در سوریه، بخصوص در کوه لبنان نافرمانی کنند؛ اما به دام انداختن به دو شکل مختلف صورت گرفت: اول اینکه، گروه‌هایی غیرمسلمان تظاهر کردند که به اسلام ایمان آورده‌اند. این عملیات در مناطق اروپایی ترکیه و به دست فرقه‌ی «دوئمه» صورت گرفت.

دوم اینکه گروه‌هایی مسلمان که از اصول اسلامی برخوردار بودند، به وجود آمد و از این گروه‌ها برای ضربه زدن به اسلام استفاده شد. تمام این اقدامات، با عملیات استعمار فرهنگی همراه بود؛ یعنی پس از اینکه جنبش‌های تبلیغاتی مسیحی و دولت‌های غربی در ضربه زدن به دین حنیف اسلام ناکام ماندند.

آنان عملیات استعمار فرهنگی را آغاز نمودند. این عملیات، تفکر سیاسی اسلام را مورد هدف قرار داد. بدین ترتیب، بیان این مسئله را به نسل‌های اسلامی تلقین کردند که اسلام فقط دین عبادت است و هرگز نمی‌تواند مشکلات سیاسی و اجتماعی موجود در این عصر را حل کند؛ آنان بدین منظور، شعار جدایی دین از سیاست را سر دادند. همچنین به رواج شعارهایی که در اروپا به مناسبت انقلاب‌های اجتماعی در قرون جدید سر داده می‌شد پرداختند.

گروه‌های سیاسی غرب‌زده که این شعارها را دریافت می‌کردند،



مراقب رفتارهای ارباب استعمار و امپریالیست‌ها در کشورهای مستعمره بودند، تا بدین وسیله، پایبندی خود به این شعارها به اثبات برسانند. بدین ترتیب، حمایت نیروهای اجنبی از طرفداران دیانت‌های غیراسلامی، مثل: حمایت فرانسوی‌های کاتولیک و حمایت روس‌های ارتدوکس به صورت مخفی صورت می‌گرفت.

تمام اینها باعث نفوذ فرهنگ یهودی - مسیحی در کشورهای اسلامی شد. با کوشش اندیشمندان غربی برای رواج این فرهنگ‌ها در محیط اسلامی، قوانینی هم که از ریشه‌های رومی برخوردار بود، در کشورهای اسلامی رواج یافت. همچنین افکار سیاسی مبتنی بر میراث یونانی و لاتینی رواج یافت، تا آن‌جا که نخه‌ی روشنفکر دیگر به عقاید اسلامی توجه نمی‌کرد.

هنگامی که افکار و عقاید جدید غرب باعث ایجاد انقلاب علیه فکر سنتی شد، ما مسلمانان تصور کردیم این افکار، بحران‌ها و مشکلات ما را حل می‌کند؛ زیرا گروهی از اندیشمندان غربی، آن را راه‌حل برون رفت بحران‌های جوامع اروپایی می‌دانستند. پس چه فرقی بین جوامع ما و جوامع اروپایی وجود دارد؟!

بدین ترتیب، به حالت رکود فکری رسیدیم و در زمینه‌ی دفاع از وطن دچار ضعف شدیم. در نتیجه، کشورهای اسلامی طعمه‌ی دشمنان اسلام قرار گرفت.

این همان پیشنویس طرح کلی بود که کشورهای اسلامی را مورد هدف قرار داد. این پیشنویس، ویژگی انعطاف‌پذیری داشت که با اوضاع مختلف حاکم در کشورهای اسلامی تنظیم می‌شد. در مناطق نزدیک به

مرکز خلافت، فعالیت‌های گروه ضدّ اسلامی به دلیل نظارتِ بیشترِ خلافت، محدودتر بود؛ اما در نواحی دورتر از مرکز خلافت، گروه‌های ضدّ اسلامی از آزادی عمل بیشتری برخوردار بودند.

در مناطق بازِ غرب، مثل: کشورهای ساحلی یا مناطقی که طبیعت جغرافیایی آن، آزادی بیشتری به گروه‌های ضدّ اسلامی می‌داد، استعمار فرهنگی و اقتصادی با شتاب و موفقیت بیشتری انجام می‌شد. در مناطق بسته و مناطقی که نفوذ افکار جدید در آن دشوارتر بود، طرح دشمنان اسلام، حمله کردن به خود اسلام بود؛ به طوری که این طرح با هدف بازسازی اسلام به شیوه‌یی که اهداف غربی‌ها را محقق می‌ساخت، دنبال شد.

مبلغان غربی از گمراهی فرهنگی دینی در محافل بدوی و سطحی بودن طرز تفکر آنها استفاده می‌نمودند. همچنین از عادات و رفتارهای جاهلانه‌ی قبیله‌یی بهترین استفاده را می‌بردند. با وجود اینکه غربی‌ها در اجرای تمام جزئیات طرح خود از قاعده‌ی کلی «تفرقه بینداز و حکومت کن!» استفاده می‌کردند، تا بدین وسیله باعث فروپاشی مناطق اسلامی و همچنین باعث تفرقه و درگیری بین مسلمانان شوند؛ اما تلاش و اهتمام آنها متناسب با اهمیت موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژی بود.

بدین ترتیب، به دلیل نیاز انگلیسی‌ها به عمق استراتژی قوانین خود و حفاظت از آن در مسیر هند در خلیج و دریای عمان، به شبه جزیره‌ی عربستان اهتمام ورزیدند. با توجه به فضای بسته‌ی این جزیره و غلبه‌ی ویژگی بدوی به ساکنان آن، در درجه اول طرح سیطره‌ی دینی در این منطقه به اجرا درآمد. برای اثبات این مسئله، کتابی را ارائه دادیم که در آن

به روش‌های سلطه‌ی غربی‌ها بر مسلمانان اشاره شده است. مستر همفر در خاطرات خود، زیرکی استعمارگران را در مقابل سادگی مردم بدوی به تصویر می‌کشد؛ به طوری که نمایندگان استعمارگر، از نقاط ضعف مسلمانانی که به دنبال شهرت بودند، استفاده نمودند.

آنان از این افراد برای از بین بردن ارزش‌های اصیل اسلامی و ایجاد ارزش‌هایی مناسب با طرح‌های سیطره، وابستگی و چپاول استفاده می‌نمودند.

«مستر همفر» از تمایلات محمد بن عبدالوهاب به نفع خود استفاده کرد و تمایلات او را در مسیری که به سود انگلیسی‌ها بود، قرار داد؛ به طوری که محمد بن عبدالوهاب را درگیر مسائل عجیبی کرد. محمد الوهاب قدرت مقاومت در برابر افرادی را که کلید آینده‌اش به دست آنها بود، از دست داد.

هدف کتابی که پیش‌رو داریم و دوجهی دقت اطلاعات وارد شده در آن، نشان می‌دهد که استعمارگران از این روش‌ها و روش‌های شبیه به آن استفاده کردند و توانستند از این افراد به عنوان ابزاری جهت تحقق منافع و اهداف خود استفاده کنند. و به فرهنگ اسلام ناب شیخون بزنند؛ به طوری که ما در نهایت در برابر واقعیتی غیرقابل تفسیر و غیرقابل انکار قرار گرفتیم.

در قرن بیستم، ما خود را در مقابله با حاکم سرزمین‌های مقدس یافتیم؛ حاکمی که روی دریایی از نفت شنا می‌کرد و گوش به فرمان آمریکایی‌ها بود. حاکمی که به دشمنان عرب و اسلام خدمت می‌نمود و در عوض خدمت به مسلمانان، حساب‌های شخصی و تأمین مخارج

خوشگذرانی‌های ناپسند، منافع استعمار و امپریالیست را تأمین می‌کرد. در واقع، حاکمان اسلامی تا جایی به خوشگذرانی پرداختند که مورد شگفتی و تمسخر جهانیان قرار گرفتند. حال آنکه در آن زمان، ملت‌های اسلامی با قحطی و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کردند.

در این اوضاع و احوال، تفسیر پرچم «لا اله الا الله محمد رسول الله» چیست؟ آیا این شعار، تصادفی بیش نیست؟ خود را مقابل دولت‌ها، دولت‌های کوچک، امارات و شیخ‌نشین‌هایی یافتیم که مدام در حال جنگ، درگیری و رقابت با یکدیگر بودند. از طرف دیگر، گروهی از یهودیان که در نواحی مختلف جهان پراکنده بودند، مهم‌ترین منطقه‌ی اسلامی در سطح ژئواستراتژی را که دارای مقدّسات اسلامی بسیاری بود - سرزمین مقدّس فلسطین - اشغال کردند. آیا این مسئله یکی از سنّت‌های تحوّل طبیعی تاریخ است؟

ما خود را در برابر تهاجم فرهنگی یافتیم؛ تهاجمی که به ارزش‌های ما حمله کرد، تا روحیه‌ی جهاد به دفاع از وطن و آبرو را از ما سلب کند. حال آنکه ملت‌های مسلمان در طول تاریخ در برابر ظلم امپراتوری‌های مختلف مقاومت کردند و با تجهیزات اندک در برابر آنها ایستادگی نمودند.

ما در زمینه‌های سیاسی، جغرافیایی و عقیدتی، خود را در برابر توطئه‌های استعمارگران یافتیم، به طوری که استعمارگران یکی پس از دیگری مانند درندگان وحشی بین ما حاکمیت می‌کردند و ما چون طعمه‌های آنها بودیم.

در پایان به این جا رسیدیم که پنداشتیم دشمنان اسلام نسبت به ما

حسن ظن دارند؛ تا آنجا که از توطئه‌های دشمنان اسلام غافل ماندیم! به عنوان مثال: غربی‌ها تصوّر می‌کنند دولت‌های اسلامی صاحب منشائی بدوی هستند و نسبت به سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا - که نیمی از کره زمین را احاطه کرده‌اند - از افق محدودتری برخوردارند؛ تا آنجا که آمریکا در سرکوب کردن ملت‌ی ضعیف در دورافتاده‌ترین نقطه از کره‌ی زمین سهیم بود. چه کسی باور می‌کند نیروهای اسلامی با نیروهای آزادیخواه بجنگد. و درصدد کوتاه کردن دست استعمارگران نباشند؟

این موارد، نه فقط صحت یادداشت‌های همفر و امثال همفر را به اثبات می‌رساند، بلکه نیرنگ و خطر جدی آنها را نیز به اثبات می‌رساند.

سازمان‌هایی که همفر برایشان کار می‌کرد، سازمان‌هایی بودند که درصدد ایجاد مذهب جدید اسلامی و دولتی در منطقه‌ی شرقی صحرای نجد بودند، تا بدین وسیله بر قبیله‌های اطراف تسلط یابند و مرزهای ساحلی خود را حفظ کنند. در نتیجه، اقدامات علیه اسلام گسترش یافت و به درجه‌ی خطرناکی رسید. این اقدامات به دست فرزندان همفر، امثال همفر، نوه‌های همفر و نوه‌های نوه‌های آنها، به خصوص امثال: شکسپیر، فیلیپی و... ادامه دارد؛ تا اینکه پس از افول ستاره امپراتوری بر انگلیسی، جاسوسان آمریکایی توانستند بر ثروت، دربار، اداره و ارتش سرزمین‌های مقدّس اسلامی تسلط یابند و از این سلطه برای تحقّق اهداف حکومت خود استفاده کنند.

مذهب ابن عبدالوهاب مذهبی بود که از سوی انگلیس‌ها وضع شد. در واقع، انگلیسیان ابن عبدالوهاب را تشویق کردند که این مذهب را علنی کند و به او امکان ایستادگی در برابر مسلمانانی که این مذهب را نوعی

بدعت در تاریخ اسلامی می دانستند دادند. دستاوردهای غربی ها بسیار شگفت انگیز بود! به منظور گسترش فکر جدید، بسیاری از اعراب کویت تا یمن کشته شدند و در جنگ ها قوانینی وضع شد.

از طرف دیگر، مبدعان اسلام و مسلمانان کافر در قرن گذشته، نفوذ دولت بزرگ اسلامی را از بین بردند و به منافع انگلیسی ها کمک کردند؛ اما بسیاری از مسلمانان مقید به مبانی اسلام، مثل: ابن رشید و ابن مسعود، آشکارا بیان نمودند که دین اسلام، شخص مسلمان را مکلف می کند که در برابر دشمنان کافر بایستد و از دولت اسلامی حمایت نماید؛ حتا اگر این کار قربانیان زیادی داشته باشد.

در نهایت، فرزندان مذهب حق - که به اسلام ایمان داشتند - در هنگام شکست ارتش های اسلامی در برابر نیروهای متفق جنگ جهانی اول حاضر بودند. بعد از جنگ جهانی اول، اقتصاد کشورهای اسلامی تضعیف شد، تا آن جا که پس از جنگ جهانی دوم کشورهای اسلامی تسلیم آمریکایی ها شدند.

بدین ترتیب، تمام درآمدهای حاصله در کشورهای عربی و دیگر نواحی جهان در خدمت طرح های آمریکایی قرار گرفت. از افتخارات دشمنان اسلام می توان به تأمین سرمایه ی طرح های آمریکایی برای سرکوب کردن ملت ها، تسلط بر آسمان کشورهای عربی از طریق رادارهای هواپیمایی اوکس اشاره نمود.

دشمنان اسلام به منظور نظارت به هر گونه تحرک منطقه ای نفت، نفت خود را با پایین ترین قیمت ممکن از کشورهای عربی می خریدند، تا آن جا که ابرقدرت ها حتا بر انجام فریضه ی حج تسلط یافتند و به برخی از مردم

اجازه‌ی انجام این فریضه را دادند و برخی دیگر را از انجام این فریضه محروم نمودند. آنان بعد از هتک حرمت به حرم‌های اهل بیت و صحابه، بعضی از دستورات اسلامی را حرام کردند و بعضی از دستورات اسلامی را مباح نمودند.

در پایان می‌توان گفت، خواندن خاطرات مستر همفر باعث می‌شود ما مسلمانان با توطئه‌های دشمنان اسلام در جهت تضعیف اسلام و مسلمانان بیشتر آشنا شویم و بیشتر از قبل پایبند مبانی و ادای اسلامی باشیم.

www.ketab.ir

